

## رابطه‌ی جهانی شدن با امنیت ملی ایران

توران احمدی؛ حسن غنیمتی\*؛ طلیعه خادمیان

- ۱- دانشجوی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
- ۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
- ۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دریافت دست‌نوشته: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱؛ پذیرش دست‌نوشته: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳

واژگان کلیدی	چکیده
جهانی شدن، هویت ملی، امنیت ملی	هدف این نوشتار بررسی موضوع امنیت ملی ایران در روند جهانی شدن است. امنیت ملی مهم‌ترین اصل در ثبات هویت ملی و استقلال یک واحد سیاسی در جهان بوده و بقای تمامیت ارضی و استمرار حکومت یک کشور، بستگی به آن دارد. در راستای این هدف، از آثار و افکار اندیشمندانی نظیر آرت شولت، هلد، رابرتسون، واترز، بوزان، لیپمن، هاروی و گیدنز برای احصای آینده‌های محتمل امنیت ملی ایران در فرایند جهانی شدن روزافزون استفاده شد. روش این تحقیق آینده‌پژوهی بوده که با تأسی از ابزارهای دیگر آن مانند درخت وابستگی و ریخت‌شناسی برای دستیابی به داده‌ها از آرشیه‌های ملی و بین‌المللی در کتابخانه‌ها و وبسایت‌ها استفاده شد. روش سناریوسازی برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از میان سناریوهای شش‌گانه مستخرج از نظریه‌ها و پیشینه‌های تحقیق، سناریوی ششم محقق خواهد شد؛ زیرا امنیت ملی به امنیت سیاسی بستگی داشته و ثبات نظم اجتماعی را به همراه می‌آورد. افرادی چون پل راجرز معتقدند که سهم‌خواهی و برابری بین‌المللی به‌اندازه رعایت قوانین و حاکمیت حقوق بین‌الملل مهم است. همچنین رعایت مذاکره بین ملت‌ها و سایر بازیگران امنیتی، به دور از مداخله‌ی نظامی، برای حل و فصل مشکلات کشور، حیاتی است.

### ۱- بیان مسئله

موجود جهانی به رهبری قدرت‌های حاکم - که در غیر این صورت به انزوای کشور می‌انجامد - موج کثرت‌گرایی به‌ویژه در مسائل قومی و خرده‌فرهنگ‌ها که از مشکلات عمده امروزین کشورهای چند فرهنگی است؛ و تأثیرات اقتصادی، چون گشایش مرزها به روی کالاهای خارجی و احتمال سلطه قدرت‌های بزرگ اقتصادی دنیا که سبب چالش در حوزه خودکفایی کشورها شده و نظام اقتصادی کشور را تابع تحولات جهانی نموده است. همچنین تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جهانی احتمال خطر را برای امنیت ملی کشور ایجاد می‌نماید؛ زیرا امنیت ملی هر کشوری، بستگی به میزان تسلط آن کشور بر سرنوشت خویش و مقابله به‌موقع،

ایران کشوری است که دارای ارزش‌های دینی آمیخته با فرهنگ ملی می‌باشد؛ و تلاش در راه عدم وابستگی سیاسی به قطب‌های قدرتمند جهانی موجب شده در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در چهارراه پر آشوب جهانی، راهی را در میان دیگران برای حرکت خویش بگشاید؛ ایران در عین حالی که همواره در معرض چالش‌های عمده‌ای در عرصه جهانی بوده، چالش‌های سیاسی چون تحت تأثیر قرار داشتن افکار عمومی توسط رسانه‌های بدون مرز و جهت‌دهی به آنها، لزوم حرکت‌های یکنواخت و هماهنگ با سایر کشورها به‌منظور ثبات در نظام

معنا قائل شده‌اند: ۱- گرد مثل توپ یا کره؛ ۲- کلی یا جهان‌شمول. مصدر *to globalize* با توجه به معنای دوم ساخته شده است (رجایی، ۲۱: ۱۳۸۰). در هر حال چه جهان‌گستری یا جهانی شدن، جملگی دلالت بر تحولی همه‌جانبه در تمام ابعاد جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور دارد.

شاید بتوان جهانی شدن را به تعبیر کارسن کراس عصر کاهش فاصله‌ها و به تعبیر مانوئل کاستلز دوران ظهور جامعه شبکه‌ای تعریف نمود. جهانی شدن فرآیندی است که نقطه آغازین آن الزاماً در عصر ما قرار نمی‌گیرد، بلکه مرحله‌ای از دگرگونی است که ادامه همان تحولات حادث از دوران مدرنیته می‌باشد. در عصر سیاسی حاضر برخی اندیشمندان ترجیح می‌دهند بیشتر از واژه جهانی‌سازی استفاده نمایند. مبنی بر آن اراده‌ای سیاسی یا اقتصادی می‌خواهد جهان را یکپارچه و همگن سازد؛ که قطعاً معطوف به تصمیم‌گیری مراکز خاص سیاسی در جهان، تعبیر می‌نمایند. در حوزه ارتباطات اجتماعی، جهانی شدن را به صورت تشدید روابط اجتماعی در اثر پیشرفت فناوری و دستاوردهای فنی در سرتاسر جهان تعریف می‌کنند که در آن، جوامع دور از هم چنان به یکدیگر وابسته می‌شوند که حوادث محلی از رویدادهایی تأثیر می‌پذیرند که در مناطق دوردست شکل می‌گیرند. در این صورت جهانی شدن یک فرآیند چند سویه و چندلایه، عدم قطعیت، پایداری و ناپایداری است (گلپایگانی). از ویژگی‌های دنیای جهانی شدن، وابستگی قاعده‌مند در تمام روابط اجتماعی موجود بر روی کره زمین است. در بافت جهانی شده، هیچ رابطه‌ای خاص یا مجموعه‌ای از روابط نمی‌تواند به صورت منزوی یا مجزا وجود داشته باشد. هر رشته از روابط با رشته‌ای دیگر در ارتباط است و به‌طور منظم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. از این‌رو در فرآیند جهانی شدن با زنجیره‌ای از کنش‌های مشترک و نه دو جانبه بلکه چند جانبه روبرو هستیم. نکته شایان ذکر اینکه جهانی شدن لزوماً به معنای همگونی یا ادغام کامل نیست، بلکه جهانی شدن به معنای روابط گسترده‌تر و تعاملات بیشتر و سریع‌تر و برداشتن مرز میان قلمروهاست. جهانی شدن، به‌خودی‌خود فرآیندی فراگیر و کل‌گراست. اگرچه این پدیده، بیش از هر چیز ماهیتی اقتصادی و مادی

سریع و صحیح آن کشور با بحران‌ها دارد. بررسی و پردازش مبسوط هر یک از این حوزه‌ها، طرح‌ها و راهکارهای فراوانی را می‌طلبد که این مقاله درصدد است تا بخشی از تأثیرات پدیده جهانی شدن را بر امنیت ملی ایران بررسی نماید. در جهان امروز کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی، قرابت روابط گوناگون از سیاسی و اقتصادی گرفته تا فرهنگی در حال رخ دادن است. جهانی که در آن ریزش منابع سنتی هویت ملی، همراه با نفوذپذیری مرزهای جداسازی انسان‌ها از یکدیگر و دولت-ملت‌ها، نوید دنیایی نو را به همراه دارد. این پدیده‌ی نو، جهانی شدن نام دارد. جهانی شدن در سایه فناوری‌های پیشرفته و وسایل نوین و پیچیده ارتباطی، اندیشه‌ها و در پی آن کنش‌هایی که مرزهای ملی را طی نموده و در فضایی فرا ملی، گستره‌ای جهانی یافته است.

این پدیده چندوجهی و پیچیده را برخی برنامه‌ای نوشته شده از سوی قدرت‌های بزرگ صنعتی به نام جهانی‌سازی می‌نامند. برخی دیگر آن را پدیده‌ای خود به خودی می‌دانند که طی پروسه‌ای به وجود آمده و آن را جهانی شدن نامیده‌اند؛ اما این پدیده، هرچه که باشد و هر منشأیی که بر آن متصور گردد، به شکلی گریزناپذیر، جوامع گوناگون را تحت تأثیر خود قرار داده است. آنچه از اهمیت غیر قابل انکار برخوردار است، آن است که کشور ایران ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیکی خود را چگونه در مسیر چنین پدیده‌ای قرار می‌دهد؟ به بیانی دیگر، این مقاله سعی نموده پاسخ دو سؤال را بیان نماید: وضعیت آتی امنیت ملی ایران در روند جهانی شدن چگونه خواهد بود؟ و آیا هویت ملی ایران در شرایط عصر جهانی شدن، دچار فروپاشی شده و رو به اضمحلال می‌رود یا اینکه دارای ساختاری منطقی و هماهنگ خواهد شد؟

## ۲- مبانی نظری

واژه جهانی شدن نمایانگر ماهیت عرصه‌های گوناگون فعالیت بشر در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره سوم میلادی است. جهانی شدن در زبان فارسی معادل واژه *Globalization* مورد استفاده قرار می‌گیرد. *Globalization* اسم مصدر از مصدر جعلی *to globalize* است که خود از صفت *global* ساخته شده است. در فرهنگ‌های زبان برای این صفت دو

۱۳۸۰). دیوید هلد در کتاب دموکراسی و نظم جهانی (۱۹۹۶) این پدیده را حرکت به سمت نوعی دموکراسی جهان‌شهری (*Cosmopolitan Democracy*) می‌بیند که در عین حال کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت (Held, 1995).

بیشتر مخالفان «جهانی شدن» اندیشمندان چپ مسلک (*New Left Review*) تشکیل می‌دهند. نظرات باومن و سوئیزی نمونه‌های آشکار مخالفت با روند جهانی شدن هستند. درحالی‌که سوئیزی جهانی شدن را تداوم حرکت سرمایه‌داری می‌داند که زمانی پیش‌تر آغاز شده است، ولی باومن در این باره می‌نویسد: جهانی شدن، نامعلومی، سرکشی و خصلت خودرأیی امور جهان و نبودن یک مرکزیت، یک کانون نظارت و یک هیئت رهبری است. از این‌رو جهانی شدن به باور زیگموند باومن چیزی جز بی‌نظمی تازه جهانی و شکل جدید هرج‌ومرج حاکم بر روابط بازیگران در عرصه جهانی نخواهد بود. الجابری واژه جهان‌گرایی را برای پدیده رو به رشد بیشتر ترجیح می‌دهد. از نظر وی جهان‌گرایی دارای یک سیستم جهانی است و همان‌طور که اکثر سیستم‌های جهانی در ابعاد مختلف تعاملات بشر نفوذ کرده و تأثیر داشته‌اند، جهان‌گرایی نیز زمینه‌های مختلفی همچون سرمایه، بازرگانی، مبادلات، ارتباطات، سیاست، اندیشه و ایدئولوژی را تحت تأثیر قرار داده و شامل می‌شود. وی جهان‌گرایی را «در حیطه و محدوده سیاست نوعی ابزار ژئوپلیتیکی می‌داند که در راه تعمیم یک روش و گسترش یک تمدن و انتقال آن به سایر کشورها به کار برده می‌شود. الجابری با تفکیک میان دو اصطلاح جهان‌گرایی و جهانی شدن، جهانی شدن را وجه مثبت شکستن مرزهای محدود حاکمیت ملی، به استقبال یک جهان رفتن، آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگر و احترام گذاشتن به آرا و نظریه‌های دیگران می‌داند؛ و در مقابل، جهان‌گرایی را به نفی دیگران، نفوذ در فرهنگ‌های دیگر و محل برخورد ایدئولوژی‌ها تعبیر می‌کند.

در زمینه‌ی امنیت ملی در روند جهانی شدن تعبیر روشنی وجود ندارد. به عبارت دیگر حفاظت امنیت ملی در مقابل جهانی شدن، از نظر اندیشمندان اندکی توأم با تردید است. وقتی از امنیت ملی سخن به میان می‌آید، هویت را نیز

دارد، اما از آنجا که نوعی پیشرفت تمدنی به شمار می‌رود نسبت به تمام پیشرفت‌های مهم تمدنی دیگر از اهمیت فرهنگی و غیرمادی بسزایی برخوردار است. جهانی شدن از نظر محققینی که بر بعد اقتصادی این پدیده تکیه دارند «ادغام شدن» بازارهای جهان در زمینه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم، جابجایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب سرمایه‌داری و آزادی بازار است. از دیدگاه این تعریف، نقطه اوج جهانی شدن، کاهش حاکمیت دولت به سبب گسترش فعالیت شرکت‌های بزرگ چند ملیتی است؛ یعنی عصر جهانی شدن، عصر تحول عمیق سرمایه‌داری برای تمام انسان‌هاست (عبدالحمید، شماره: ۱۵۵ و ۱۵۶). این پدیده را می‌توان به فرآیندهایی تعبیر نمود که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند.

گیدنز در زمینه موضوع جهانی شدن به بررسی هویت شخصی افراد می‌پردازد که در جهان امروز چگونه هویت جمعی شکل می‌گیرد. در مدل تفکری گیدنز، جهانی شدن از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و او به دنبال درک درستی از این معناست. وی دوران مدرن را به دو دوره تقسیم می‌کند: ۱- مدرنیته اول که تا حدود دهه ۱۹۶۰ را پوشش می‌دهد و مدرنیته متأخر که بعد از دهه ۶۰ با انتقال جامعه از سنتی به مدرن، آغاز شد. مقصود از مدرنیته متأخر همان جهانی شدن است که به اعتقاد وی مهم‌ترین مبحث جامعه‌شناسی امروز دنیا می‌باشد.

عده‌ای دیگر از محققان، جهانی شدن را از بعد تأثیر آن بر حاکمیت و تعریف بازیگر اصلی صحنه بین‌المللی، یعنی دولت ملی می‌نگرند. در نظر این محققان با توجه به تحولات عظیم ارتباطی تکنولوژیک و ورود بازیگران جدید حقیقی و حقوقی، شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به عرصه بین‌المللی، نقش دولت تا حد زیادی رنگ باخته است. در این معنا دولت‌ها تصمیم‌گیرندگان مطلق صحنه بین‌المللی نبوده و به تعبیری دیگر نوعی تکثر تصمیم‌گیری بر روابط میان واحدهای نظام بین‌المللی حاکم است (Axworthy and Taylor, 1953:189). مانوئل کاستلز با اشاره به عصر اطلاعات، جهان‌گرایی را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در برمی‌گیرد (۵) (کاستلز،

سیاسی یا ملت را می‌سازند (مطهری، ۱۳۶۳). با توجه به انواع تعاریف درباره هویت ملی، رزازی فر می‌گوید: «هویت ملی از نظر جامعه‌شناسی به‌مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می‌شود؛ و دارای ابعاد مختلف خرده‌فرهنگ ملی، دینی جامعه‌ای و انسانی است و ویژگی‌اش قابلیت انعطاف جزای آن و بومی بودن ابعاد تشکیل‌دهنده آن می‌باشد.

آنچه اغلب محققین بر مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان اتفاق نظر دارند، این است که سه رکن مهم و عمده هویت ملی در ایران عبارتند از جغرافیا و سرزمین با نوسانات میان فلات ایران با مناطق کوهستانی آن. زبان فارسی با همه تغییراتی که در اثر آمیزش با زبان‌های ترکی، مغول و عربی داشته است و دین اسلام که به‌رغم همه اختلافات فرقه‌ای، اصل و اساس آن ثابت و استوار مانده‌اند. همه ایرانیان از دوران باستان تاکنون در فلات ایران زندگی کرده‌اند و مرزهای جغرافیایی این فلات هویت‌بخش مکان و بوم زیست آنان می‌باشد. آنان در این مکان خود را یافته‌اند و طی قرن‌ها با نوسانات زیست‌محیطی آن خو گرفته‌اند.

### ۳- امنیت ملی و جهانی شدن

امنیت در طول تاریخ همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در حیات انسان و جامعه بوده است. امنیت از ریشه «امن» و مصدر جعلی به معنای ایمنی و در امان بودن است. در تعریف لغوی به مصونیت نسبی و یا مطلق کشوری در برابر یک حمله مسلحانه احتمالی و یا خرابکاری سیاسی و اقتصادی همراه با توانایی‌اش برای وارد آوردن ضربه متقابل مهلک را امنیت ملی گویند (۱۴). یا حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود، به سر برد. امنیت از تلاش برای رهایی از تهدیدها و به‌کارگیری امکانات برای مقابله با ناامنی و آسیب‌پذیری به دست می‌آید. امنیت دارای ابعاد و سطوح گوناگونی است و از پنج سطح فردی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی تشکیل می‌گردد. امنیت ملی از تلفیق امنیت داخلی با امنیت منطقه‌ای و امنیت جهانی به دست می‌آید. امنیت ملی مهم‌ترین اصل در ثبات هویت ملی و استقلال

باید تعریف نمود؛ زیرا برای هویت (*Identity*) ملی، معانی مختلف و گاه مرتبط با هم به کار رفته است؛ معانی چون: من فاعلی، من مفعولی، ما، خود، درک از خود، تصوّر از خود، بازنمایی خود، آگاهی از خود، هویت خود و شخصیت. در واقع، هویت متضمن دو معنای اصلی است. نخست بیان مفهوم تشابه است؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز اشاره دارد که به‌مرور زمان سازگاری و تداوم را بیان می‌کند؛ بنابراین هویت به‌طور هم‌زمان دو نسبت محتمل را میان افراد یا اشیا برقرار می‌کند. از یک سو شباهت و از طرف دیگر تفاوت. هویت در هر سطحی در مقابل «غیر» مطرح است.

هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف‌شده‌ی سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارتند از: سرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت (یوسفی ۱۳۸۰، ص ۱). احمد اشرف اعتقاد دارد، هویت به‌جای مفهوم شخصیت ملی از نیمه دوم قرن اخیر در ایران رواج یافته و از ساخته‌های علوم اجتماعی است (اشرف، ۱۳۷۸، ص ۵۲۲). از نظر مکنزی هویت ملی یکی از چهار نوع هویت است که از قرن ۱۹ بر جای مانده است و در کنار سه نوع دیگر، هویت‌های دینی، طبقه‌ای و نژادی، مشاهده می‌شود. برخی از تعاریف هویت ملی بر عناصر یکپارچه‌کننده واحد سیاسی مستقل تأکید دارند و آن را مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی تعریف می‌کنند. عده‌ای نیز مشترکات ملی و دلبستگی بدان را عنصر اصلی تعریف هویت ملی دانسته‌اند و آن را به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی، اجتماعی و قومی که زندگی انسانی را در برمی‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند، تعریف می‌کنند. استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می‌نویسد: اگر هویت ملی را نوعی احساس ملی بنامیم تعریف آن عبارت خواهد بود از وجود احساس مشترک یا وجدان دسته‌جمعی در میان عده‌ای از انسان‌ها که یک واحد

یک کشور یا واحد سیاسی در روند جهانی شدن است؛ زیرا بقای تمامیت ارضی و استمرار حکومت یک کشور، بستگی به امنیت ملی آن کشور دارد. اهمیت تأمین امنیت ملی پیش شرط تأمین سایر اهداف ملی نظیر سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی است. والتر لپمن (*Walter Lippman*) از امنیت ملی تعریفی ارائه می‌دهد: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد». نقیب‌زاده امنیت ملی را دارای دو سطح داخلی و خارجی و مرتبط با همدیگر می‌شناسد و نه تنها برای موجودیت کشور از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان دارد، بلکه در راه توسعه اقتصادی و تأمین رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد. اسکندری مصونیت از تعرض و تصرف خارجی و حفظ منافع حیاتی سیاسی، اقتصادی و همچنین تداوم تمامیت ارضی و بقای حاکمیت و فقدان تهدید کشور را امنیت اطلاق می‌کند. در جمهوری اسلامی ایران، آرمان‌ها، اهداف، ارزش‌های اساسی، منافع حیاتی و اصول اسلام و انقلاب اسلامی جزو امنیت ملی تعریف می‌شوند که عبارتند از: نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل ولایت‌فقیه، اسلامیت، تشیع و جمهوریت نظام، استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشور و امنیت و آسایش عمومی است.

در ابتدای تشکیل مقوله دولت - ملت، توجه به بُعد نظامی امنیت ملی از اولویت خاصی برخوردار بوده است که می‌توان گفت موجودیت کشورها با داشتن ارتش قوی و قدرت نظامی برتر تضمین می‌شد؛ اما با رشد اقتصاد، تجارت بین‌المللی و پیشرفت علم و تکنولوژی، نگرش به امنیت ملی نیز متحول شد. در این راستا علاوه بر بُعد نظامی، ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر گرفت.

با آغاز جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری اولین موج از مطالعات امنیتی و نیز ورود غیرنظامیان به صحنه منازعات و مباحثات امنیتی، پیش‌بینی می‌شد که عناصر جدیدی وارد تعریف مفهوم امنیت ملی گردد؛ اما اختراعات اتمی و موشک‌های قاره‌پیما و مسائل مربوط به فناوری‌های جدید تسلیحاتی، کماکان راهبردهای امنیتی را به خود محدود کرد. بعد از جنگ جهانی دوم و به خطر افتادن امنیت

دولت‌ها با سلاح‌های هسته‌ای، پرسش اصلی روبروی نظریه‌پردازان آن بود که دولت‌ها چگونه می‌توانند با وجود سلاح‌های کشتار جمعی که فقط در اختیار چند قدرت می‌باشد به ابزار سیاست متوسل شوند؟ عرصه نظام بین‌الملل از دهه ۱۹۵۰ شاهد تلاش‌ها و فعالیت‌های زیادی درباره راهبردهای گوناگون در زمینه امنیت ملی بود. مطالعات بینابینی در زمینه بازدارندگی، تهدید، به‌کارگیری زور و حق دفاع مشروع صورت گرفت. از اواسط دهه ۱۹۶۰ به بعد، ابعاد مختلف دیگری وارد تعریف مفهوم امنیت ملی گردیدند. در همین راستا، تمایلات روز افزون جهانی به مسائل اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی رشد می‌نمودند؛ ورود بیش از یک‌صد کشور تازه استقلال یافته در عرصه بین‌المللی و رکود اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم، روند رو به رشد تشنج‌زدایی بین دو ابر قدرت، عقیم ماندن رهیافت بازدارندگی عقلانی در تبیین و تحلیل مسائل امنیتی، بستر مناسبی را برای ظهور مفهوم جدیدی از امنیت ملی فراهم آورد. در این بستر، برخی از نظریه‌پردازان دهه هفتاد به بعد با تأکید بر واقعیت‌های ناشی از جنگ جهانی، روش‌های اقتصادی را در مباحث و تحقیقات خویش لحاظ نمودند. برخی دیگر نیز در سایه هولناک تهدیدات اتمی که تنها در دسترس چند ابرقدرت بزرگ بود، به این نتیجه رسیدند که دیگر هیچ کشوری به‌طور کامل از نظر امنیتی به‌خصوص امنیت بیرونی مصون نیست؛ یعنی هیچ کشوری بر این اساس به‌طور کامل مستقل نیست.

مفهوم امنیت ملی در بستر زمان دچار تحولات جدی شده است. این تحول در سه دوره مشخص قابل بررسی است: دوره سنتی (پیش از ۱۹۴۵): در این دوره با عنایت به محیط، امنیت شامل بُعد سخت‌افزاری و با تأکید بر بُعد نظامی امنیت بود. ضریب امنیتی نیز با توجه به توان سرکوب دشمنان خارجی ارزیابی می‌شد. حفظ تمامیت و یکپارچگی ارضی کشورها از شاخصه‌های مهم و مورد توجه کشورها در این دوره بود. دوره مدرن (۱۹۹۰-۱۹۴۵): در این دوره ابعاد امنیت ملی گسترده‌تر شده و محدود به مسائل نظامی نبود. شاخصه نظامی امنیت ملی جای خود را به ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و فضایی داد. ویژگی بارز امنیت ملی در این دوره آن است

کتابخانه‌ها و وبسایت‌ها جمع‌آوری گردید. همچنین برای احصای وضعیت آتی، یکی از روش‌های مناسب در رویکرد آینده‌پژوهی، سناریوسازی استفاده شد؛ زیرا به‌کارگیری رویکرد کیفی درک بهتری را برای انجام تحقیق ارائه نمود. به همین منظور پژوهش حاضر، غیرآزمایشی محسوب می‌شود (بازرگان و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۷۹). ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش از روش سناریوسازی و با تاسی از ابزارهای دیگر آینده‌پژوهی مانند درخت وابستگی و ریخت‌شناسی برای پیگیری روند و ترتیب روابط تأثیرگذاری ابعاد و مؤلفه‌ها استفاده گردید. در پژوهش حاضر از «مرحله پیش آینده‌پژوهی» در جهت استخراج ابزار سناریوها استفاده شد.

روش سناریوسازی یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است که به ترسیم آینده با طراحی سناریوهای فرضی می‌پردازد. یک سناریو، تنها پیش‌بینی آینده‌ای خاص نیست بلکه توصیف همه احتمالات است. در واقع سناریو، تصویری از آینده‌ی ممکن و محتمل است (نوروزی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۲). سناریو ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدها، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است (کورتیش، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴). بیشتر سناریوها به دو منظور شکل می‌گیرند. اولاً: هنگامی که بخواهیم تصویری را در یک زمان خاص در آینده توصیف کنیم و عوامل و شرایط متغیرهای کلیدی مهم آن دوره زمانی را بیان داریم. ثانیاً: برای توصیف روند تاریخی آینده و اینکه چگونه از شرایط کنونی به یکی از این آینده‌ها خواهیم رسید، بدون اینکه فرآیند رشد و مقدار متغیرهای کلیدی در طول زمان بیان شوند. در این پژوهش نگرش دوم به کار رفته است زیرا این نگرش فرآیندهای علت و معلولی و زنجیره اتفاقات و عوامل و شرایط محیطی آینده که متأثر از حال است را توصیف می‌کند (Scenario, 1994). جامعه آماری در مرحله کیفی عبارت است از نظرات همه متخصصین و خبرگان موضوع مورد نظر که از طریق دریافت نظرات آنها در کتب چاپی و مقاله‌های مندرج در مجلات علمی - پژوهشی و وبسایت‌ها مورد استفاده قرار گرفت. نمونه‌گیری نظری وقتی خاتمه یافت که مقولات جداگانه‌ی مفاهیم استفاده شده به اشباع نظری رسیدند. واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی به کار رفته در

که از آن به‌مثابه پروژه‌ای باز یاد می‌شود که با گذشت زمان به تنوع و تعداد ابعاد آن افزوده می‌شود. بر این اساس همان‌گونه که «بوزان» معتقد است اجتماعات جهانی بشری به پنج دسته تقسیم می‌شود: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی. ابعاد مختلف امنیت ملی به تبع ابعاد مختلف جامعه است. به تبع چند بعدی بودن امنیت ملی بر اساس نگرش مدرن، قاعده بازی در این گفتمان نیز تغییر می‌یابد. وقتی صحنه جنگ تنها صحنه رویارویی نظامی دو واحد سیاسی نیست و بازیگران می‌توانند ضعف و یا حتی شکست در یک زمینه را با استعانت از دیگر زمینه‌ها و ابعاد تلافی کنند قاعده بازی هم دیگر حاصل جمع صفر نخواهد بود. بلکه بر اساس حاصل جمع مضاعف رابطه بازیگران را باید تبیین نمود. دوره فرامدرن از ۱۹۹۰ به بعد: این دوره با رشد سریع فناوری ارتباطات و اطلاعات و نزدیک شدن هر چه بیشتر ملت‌ها با یکدیگر توأم بود. فرآیند تبدیل جهان به‌منابه یک دهکده مفهوم امنیت ملی را نیز تغییر داد، به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود انقلابی در عرصه امنیت به وجود آمده است. شاخصه مفهوم امنیت نه نظامی و سرزمینی و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، سیاسی و فضایی یک‌جانبه نیست. جهانی شدن و روند یکدست شدن جامعه جهانی حلقه پیوند کلیه مسائل جامعه سیاسی داخلی با یکدیگر است. در عرصه جهانی ما نه با امنیت ملی بلکه با مفهوم امنیت جهانی مواجه هستیم. مفهوم امنیت در گذار از فضای ملی به جهانی متحول شده و معنای پیشین را نخواهد داشت. در جهان جدید امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه است؛ یعنی مفهوم امنیت، مفهومی یکسان، متقابل و مساوی برای تمام ملت‌ها می‌باشد.

#### ۴- روش پژوهش

دستیابی به هدف‌های علمی با روش‌شناسی درست میسر خواهد بود. انتخاب روش تحقیق تا حد زیادی بستگی به هدف‌ها و ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی آن دارد (دلاور، ۱۳۷۶). برای احصای ابعاد وضعیت فعلی امنیت ملی ایران در روند جهانی شدن از داده‌های اسنادی - کتابخانه‌ای استفاده شده که از آرشیوهای ملی و بین‌المللی در

زندگی، به کنترل این تحولات و مراقبت و نظارت هوشمندانه تأثیرات آن پردازیم. این بررسی، ما را در راه پیش رو راهنمایی خواهد نمود.

امنیت ملی و جهانی شدن، در جامعه‌شناسی معاصر دو مفهوم جدا از هم می‌باشند، به طوری که یکی از بحث‌های مهم مربوط به فرآیند جهانی شدن، مسئله بقا یا تداوم امنیت ملی ایران در جریان حرکت عظیم سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هویت جهانی می‌باشد. بدیهی است که در این رابطه نظرات متفاوتی ارائه شده است. از آن جمله که برخی ادعا می‌کنند جهانی شدن تأثیر منفی بر روی امنیت ملی داشته، زیرا از بین برنده تفاوت‌ها می‌باشد. عده‌ای نیز خلاف این نظر می‌دهند. از اولین تحلیل‌هایی که در این خصوص انجام گرفته است مربوط به تئودور لویتز می‌باشد، بدین شرح که وی تکنولوژی را به‌عنوان نتیجه جهانی شدن، همگن‌کننده و از بین برنده تفاوت‌ها معرفی کرده است (Levitts, 1983).

این مقاله عبارتند از ابعاد جهانی شدن، بین‌المللی شدن، آزادسازی (برداشتن محدودیت‌ها)، جهان‌گستری (انتشار تجربیات)، غربی کردن، قلمرو زدایی (از بین بردن مرزها) و ابعاد امنیت ملی: به‌طور هم‌زمانی شباهت ملی و تفاوت با دیگران، هویت ملی (سنت، سرزمین مشترک، تاریخ مشترک) و منافع مشترک ملی در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی - دینی.

## ۵- یافته‌های پژوهش

### الف) مرور نظام‌مند یافته‌ها

#### امنیت ملی ایران در روند جهانی شدن: در عصر

جهانی شدن که تمامی جنبه‌های مادی و معنوی زندگی انسان دستخوش تغییر و تحولات اساسی گردیده است، انتظار مصون ماندن کشور از تحولات این پدیده فراگیر، به دور از منطق است؛ و منطقی به نظر می‌رسد که به‌جای مقاومت و مقابله با آثار جهانی شدن در عرصه‌های مختلف

جدول ۱- تعاریف مختلف جهانی شدن

صاحب‌نظر	تعریف
هاروی (۱۹۹۵)	فشرده شدن زمان و مکان و کاهش فاصله‌ها
هلد (۲۰۰۰)	بسط سرمایه‌داری بازار آزاد به دیگر نقاط دنیا
رابرتسون (۲۰۰۰)	فشرده‌گی فزاینده جهان و تراکم آگاهی در جهان به‌مثابه یک کل
واترز (۲۰۰۱)	از بین رفتن محدودیت‌های جغرافیایی سایه افکننده بر روی روابط اجتماعی و فرهنگی
لگرین (۲۰۰۶)	فرایند وابستگی و ارتباط متقابل دولت‌ها
بوزان (۲۰۰۸ و ۲۰۲۱)	عامل دگرگون‌کننده ذهنیت‌ها و عینیت‌ها و تسهیل‌کننده اقتباس فرهنگی
گیدنز (۲۰۱۳)	تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان و شکل‌گیری رویدادهای محلی بر اساس رویدادهای جهانی
بوسبا (۲۰۲۰) و راجرز (۲۰۲۱)	- فرایند افزایش جریان‌های متقابل ملی و سطوح بیشتر ارتباط، انسجام بین ملت‌ها و وابستگی متقابل - سهم‌خواهی و برابری نظم بین‌المللی به‌اندازه رعایت قوانین و حاکمیت حقوق بین‌الملل مهم است، اهمیت مذاکره بین ملت‌ها و سایر بازیگران امنیتی
هویت ملی	تعلق به فرهنگ و تمدن و آداب‌ورسوم ایرانی
	فداکاری برای سرزمین یا دفاع از وطن
	تعلق به پرچم و نمادهای ملی
	تعلق و افتخار به زبان فارسی
	افتخار به ایرانی بودن
	تعلق خاطر به دولت
	ایرانی دانستن تمام اقوام
	تعلق خاطر به دین اسلام
اتحاد و همبستگی ملی	

رویکردهای فوق، این موضوع را آشکار می‌کند که نگاه اندیشمندان رویکرد اول نگاهی بدبینانه به ماندگاری پدیده دولت - ملت و به تبع آن ماندگاری هویت ملی در فرآیند جهانی شدن است؛ حال اینکه نگاه اندیشمندان رویکرد دوم، به فرآیند جهانی شدن بدبینانه می‌باشد. آنها معتقدند که دولت‌ها نه تنها در حال از دست دادن قدرت خود نیستند بلکه در جهانی شدن هویت‌های ملی نیز مؤثر هستند. در مقابل، یک رویکرد بینابینی وجود دارد که رویکرد سوم را تشکیل می‌دهد. در این رویکرد جهانی شدن به این معنا نیست که جامعه جهانی در حال یکپارچه شدن است بلکه برعکس، رویکرد حاضر معتقد است که جهانی شدن در برخی ابعاد با تفرق و پراکندگی روبرو می‌باشد. از این رو جهانی شدن و افزایش هویت جهانی با اینکه وفاداری‌های کلاسیک متعلق به هویت ملی را تضعیف می‌کند ولی از سوی دیگر باعث تقویت هویت‌های ملی نیز می‌شود. حال کدام یک از این سه رویکرد به واقعیت جامعه ما نزدیک می‌باشد موضوعی است که مورد بررسی قرار گرفت. در این زمینه تحقیقات مختلفی در کشورهای گوناگون به انجام رسیده است، از جمله در کشورهای شرق آسیا، کستلز در تحقیق خود با عنوان «جهانی شدن و هویت ملی در ژاپن» به این نتیجه رسیده است که جهانی شدن در ژاپن باعث اضمحلال هویت ملی نمی‌شود، بلکه بیشتر باعث ایجاد پیوند فرهنگی می‌شود. به عبارتی، افراد در انتخاب عناصر جهانی و ملی دست به گزینش می‌زنند و عناصر جهانی را بومی می‌کنند (ساکاکی، ۲۰۰۴). سوتکوویچ و کلنر، با بررسی تجربه‌های جهانی شدن در کشورهای کره، ژاپن، تایوان، هنگ‌کنگ و سنگاپور اذعان می‌دارند، مردم این کشورها اغلب بین نیروهای جهانی مدرنیته و نیروهای سنتی ملی و محلی سازش و ترکیب به عمل می‌آورند (سوتکوویچ و کلنر، ۱۹۹۷)؛ اما تحقیق دیگری که به وسیله کستلز بر روی گروه‌های قومی استرالیا انجام گرفته، برخلاف پژوهش‌های فوق، نشانگر آن است که جهانی شدن باعث کاهش هویت ملی می‌شود؛ و منابع سنتی قومی و نژادپرستی در عصر جهانی شدن، نمی‌تواند چیزی را به‌عنوان ملی‌گرایی به استرالیایی‌ها ارائه دهد. آنها در عوض برای تقویت هویت ملی پیشنهاد می‌کنند که به‌نوعی اشتراک واقعی و

فوکویاما با مطرح کردن پایان تاریخ، فرا رسیدن عصر حاکمیت لیبرال دموکراسی غربی و تحقق روند جهانی شدن را امری حتمی دانسته است (Fukuyama, 1992). «هابسباوم» در کتاب خود با عنوان «پایان دولت - ملت» احتمال محو شدن دولت ملی از صحنه سیاسی جهان را خبر می‌دهد (همان). بوزان معتقد است که نتایج جهانی شدن نه تنها به همگرایی نمی‌انجامد؛ بلکه طبق شواهد روان‌شناختی در رابطه با جهانی شدن، می‌تواند به واگرایی نیز بیانجامد (Berry, 2008). ادنسون، در واقع این امکان را که جهانی شدن احتمال دارد بر روی هویت ملی و انواع هویت‌های دیگر تأثیر مثبت نیز داشته باشد را رد نمی‌کند (ادنسون، ۲۰۰۲). شفر این موضوع را بهتر توصیف کرده است. او با بررسی جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پدیده جهانی شدن را چنین بیان می‌کند: «درکل، جهانی شدن نمی‌تواند یک نتیجه عمومی داشته باشد یا یک جهان همگن خلق کند. در عوض، جهانی شدن نتایج گوناگون و متضادی دارد که قابل پیش‌بینی نیستند. هم‌زمان برای برخی خوب و برای برخی دیگر بد می‌باشد» (Schaeffer, 2003). هلد نظریه‌های جهانی شدن را به سه رویکرد مختلف تقسیم می‌کند که عبارتند از:

**جهان‌گرایان افراطی:** این رویکرد معتقد است که عصر دولت به‌عنوان تنها بازیگر در سیاست جهانی به پایان رسیده است. ظهور بازار جهانی، اقتصادها را غیر ملی و راه را برای شرکت‌های فراملی تولید، تجارت و امور مالی هموار کرده است. در این رویکرد یکپارچگی جهانی مفهومی تام و جدید است و پایانی است بر نهادها، به‌ویژه دولت-ملت.

**شک‌گرایان:** از نظر آنان دولت‌ها نه تنها در حال از دست دادن قدرت خود نیستند بلکه در واقع معمار بین‌المللی شدن جدید جهان نیز می‌باشند.

**تحول‌گرایان:** بنا به استدلال روزنا در جهان کنونی شاهد دو گونه حرکت تمرکزگرا و گریز از مرکز هستیم. گرچه ممکن است به‌ظاهر میان این دو جریان تناقض و تضادی جدی به نظر برسد؛ اما واقعیت این است که رابطه بین این دو حرکت، رابطه علی و معلولی در فرآیند جهانی شدن، هویت ملی را تقویت می‌کند (آرمی، ۱۳۸۳). توجه به



سیستم برای بستن راه اختلالات؛ شاخص‌های چهارگانه ذهنی بودن مفهوم امنیت بر محور درک و رضایتمندی نخبگان کشور استوار است. میزان اعتباری که نخبگان یک کشور برای نیروهای تهدید کننده قائل می‌شوند؛ میزان ارتباطی که آنها می‌توانند با عامل یا عوامل تهدیدزا برقرار سازند؛ میزان توانایی محدودیت و مقدرات خودی در مقابله با دیگری و حدود تهدید ارزش‌ها و منافع کشور (دوثرتی و فالترگراف، ۱۳۷۶: ۲۴۹) بستگی دارد. با توجه به اینکه امنیت ملی، در صدر اهداف ملی ایران قرار داشته، ولی به واسطه تحول در نظام بین‌الملل، ابزار دستیابی و تأمین آن دگرگون شده است. عناصر و مؤلفه‌های جدید امنیت با تأکید بر خطرات غیرنظامی تبیین می‌شوند. دیتریش فیشر با تأکید بر خطراتی برای امنیت، سه دسته معیار برای طبقه‌بندی تهدیدات علیه امنیت ملی ذکر می‌کند: ۱- تهدیدهای بین‌المللی مانند خطر برای بقا، ۲- تهدیدات غیر بین‌المللی ناشی از منابع انسانی مثل درگیری‌های قومی، ۳- خطرات طبیعی مانند زلزله و نابودی جنگل‌ها (Fischer, 1993). در تعریف عوامل غیرنظامی از جمله محیط‌زیست، دانش فنی و مسائل اقتصادی قرار می‌گیرد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۶۱). امروزه از نظر امنیت ملی در ابعاد ملی و جهانی، شاهد تفاوت‌های چشمگیری از قبیل حضور و اهمیت بازیگران سیاسی فراملی و فروملی مثل شرکت‌های چندملیتی، گسترش شبکه پیچیده وابستگی متقابل اقتصادی، زندگی شهرنشینی، مقبولیت روزافزون اصول سرمایه‌داری و توسعه فناوری پیشرفته نظامی هستیم. این امر ایجاب می‌نماید که مشارکت فعال کشور در ابعاد جهانی، به قدرتمندتر شدن آن می‌انجامد زیرا در مفهوم جدید امنیت ملی مسائلی که پیش‌تر «درونی» محسوب می‌شدند، اینک ابعاد منطقه‌ای و جهانی یافته‌اند. خطرات زیست‌محیطی و شهرنشینی، مواد مخدر، تروریسم، بهداشت، کنترل جمعیت، ارتباطات ماهواره‌ای و تهاجم فرهنگی و شاید مهم‌تر از همه مسئله بحران انرژی از جمله مسائل جهانی است؛ به نظر می‌رسد حضور کشور ایران در عرصه‌های بین‌المللی و پذیرش پیمان‌ها و قراردادهای چندگانه، بر اساس صلاح سیاسی و اقتصادی ملی، امنیت کشور را در روند جهانی شدن افزایش دهد.

تعهد به چندفرهنگی را حفظ کرده‌اند (Castles, 1992). نتایج تحقیقات از مناطق مختلف جهان، نظرات رویکرد سوم را مورد تأیید قرار داد. با این تفاوت که کشورهای همچون ژاپن، کره، تایوان و... که از فرهنگ و زبان در داخل قلمرو خود برخوردار هستند، با افزایش هویت جهانی شهروندانشان، هویت‌های ملی آنان نیز افزایش می‌یابد که با در نظر گرفتن نظریه‌های رویکرد سوم، این افزایش، احتمالاً به دلیل بالا بودن اشتراک مؤلفه‌های هویت ملی آنان می‌باشد. حال آنکه در کشوری همچون استرالیا که به‌عنوان یک کشور چند قومی با فرهنگ‌های گوناگون شناخته می‌شود نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرآیند جهانی شدن باعث کاهش هویت ملی شهروندان شده و موجبات افزایش هویت خواهیهای قومی و محلی آنان را فراهم آورد.

## ۶- یافته‌های پژوهش

### ۶-۱- مرور نظام‌مند یافته‌ها

**سناریوی خوش‌بینانه (۱):** آینده محتمل مطلوب: دولت قوی منزوی و جهانی شدن (متغیرهای مورد استفاده: بین‌المللی‌سازی، بقای دولت ملی، امنیت ملی، نخبگان) امنیت ملی ضامن بقای هر کشور بوده و حیات سیاسی و بی‌تردید حیات معنوی کشور وابسته به آن است. توجه خاص واحدهای سیاسی به مقوله امنیت ملی، تنها در بقای آنها خلاصه نمی‌شود، بلکه تأمین امنیت ملی نمایانگر توانایی برای بقا در جهان است. تأمین و حفظ امنیت ملی با هر نگرش و تعریفی که از آن ارائه شود، از اهداف اولیه، اصلی و ثابت دولت ملی ایران در نظام بین‌المللی کنونی محسوب می‌شود؛ اما ابزار و راه‌های تأمین آن تحت تأثیر شرایط متحول بیرونی و درونی دولت ملی و نظام بین‌الملل، متحول و متفاوت است.

در اینجا دو سطح تحلیل برای واحدهای سیاسی در صحنه بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. سطح تحلیل خرد که نظر به دولت ملی دارد و سطح تحلیل کلان که معطوف به نظام بین‌المللی می‌باشد. بنا به عوامل چهارگانه روزکرانس، سمت‌گیری نخبگان، میزان کنترل نخبگان، منابع موجود در دسترس نخبگان، کنترل‌کنندگی و ظرفیت

نیست. بلکه در گرو فکر انسان و در سایه تبلور هویت ملی در مقیاس جهانی است. امنیت همان توسعه ملی در مقیاس جهانی است (همان). همان گونه که مک‌نامارا می‌گوید، عدم هماهنگی توسعه اقتصادی یک بازیگر خاص با امواج توسعه اقتصادی جهانی، پیامدی جز ناامنی برای آن کشور به همراه نخواهد داشت و در نهایت منجر به شورش‌های ناشناخته می‌شود؛ که گرت جی. دیویس (*Gareth J. Davis*) آنرا بحران اجتماعی می‌نامد.

جهانی شدن در پی چارچوب‌شکنی، در واقع در حال متحول ساختن چارچوب قدرت سیاسی کشورهاست که ثبات بسیاری از کشورها من جمله کشور ما را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به عقیده استوارت کَلگ (*Stewart Clegg*) در فضای به وجود آمده در اثر ساختار شکنی جهانی شدن، ارتباطات از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این حال به یمن ارتباطات که اساس مدل مدارات، قدرت وی را تشکیل می‌دهد، تمهیدات لازم برای استمرار حیات واحدها پدید می‌آید (همان). در بحث‌های کَلگ هنوز الزام حفظ هویت ملی به چشم می‌خورد، اما همین الزامات در طرح جامعه شبکه‌ای مانوئل کاستلز (*Manuel Castells*) عملاً کنار گذاشته شده است. وی معتقد است «با پایان عصر اطلاعات و آغاز عصر ارتباطات، بشر در هزاره سوم قدم به فضایی گذاشته است که کل جهان در آن به ارگانیکسم (اندام‌واره) واحدی تبدیل شده است و تمام افراد، واحدهای سیاسی و دیگر بازیگران تازه عرصه نظام بین‌الملل اندام‌های این جامعه شبکه‌ای هستند». بدیهی است با فرض چنین الگوهای جدیدی برای نظام بین‌الملل نه تنها مقوله امنیت و ابعاد آن تغییر یافته و ماهیت جدیدی کسب می‌کنند؛ بلکه به تبع آن تعریف از ناامنی نیز دچار تحول می‌شود. چنین تحولی که کاستلز از آن با عنوان تکانی سخت یاد می‌کند، به عقیده وی بنیان نهادهای اصلی جامعه همچون دولت ملی را زیر سؤال می‌برد. این تحول هزاره سوم، صرف‌نظر از اینکه زمان آن را چگونه محاسبه کنیم، واقعاً دوران تحول است. فشار جهانی شدن ثروت و اطلاعات و محلی شدن هویت و مشروعیت، پی‌ریزی نهادهای اصلی جامعه همچون دولت ملی را زیر سؤال برده است. بدیهی است در جهان اندام‌واره، به نفع مصالح و امنیت کشور است که با حفظ مؤلفه‌های هویت ملی

**سناریوی بدبینانه (۲):** دولت مردد با جهانی شدن (متغیرها: استقلال، تمامیت ارضی، تحقق رفاه عمومی، ثبات سیاسی، حفظ ارزش‌ها، شهروندان)

لیپمن در تعریف امنیت ملی می‌گوید: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند، اجتماع انسانی خود را فارغ از هرگونه تهدید به سمت توسعه هدایت نماید و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد (*Lippmann*). (1956) امروزه ابعاد داخلی و خارجی امنیت ملی در هر جامعه‌ای به هم پیوند خورده است. تأمین امنیت ملی کشور متأثر و در پیوند با امنیت ملی کشورهای دیگر است؛ از این رو شاخص‌های اصلی و ابتدایی امنیت ملی مانند حفظ استقلال و تمامیت ارضی، تحقق رفاه عمومی و ثبات سیاسی، حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی، در تمام کشورها تقریباً یکسان است. در پرتو ملاحظات اقتصادی است که استنلی هافمن امنیت ملی را حمایت یک ملت از حمله فیزیکی و مصون نگه‌داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریانات ویران کننده بیرونی تعریف می‌کند. با آغاز امواج وابستگی متقابل اقتصادی و گشوده شدن مرزهای ملی، بازیگران عرصه بین‌المللی و تحول در ماهیت روابط بین‌المللی آنها، در مفهوم امنیت ملی نیز تحولات شگرفی پدید آمد.

رابرت مک‌نامارا در کتاب جوهره امنیت به موضوع فوق اشاره می‌کند: «امنیت، یک جامعه مدرن، سخت‌افزاری نیست، گرچه ممکن است آن را در برگیرد. امنیت، نیروی نظامی نیست، گرچه ممکن است آن را شامل شود. امنیت فعالیت سنتی نیست، گرچه ممکن است آن را در برداشته باشد. کشور در حال توسعه‌ای که در واقع توسعه ندارد، نمی‌تواند امن باقی بماند. به این دلیل که شهروندان و کنشگران آن قادر به کنار گذاشتن طبیعت انسانی خود نیستند و در بسیاری از اوقات دست به ناملایماتی می‌زنند که می‌توان آن را شورش‌های ناشناخته نامید». در عصر جهانی شدن دیگر امنیت کشورها در دست نیروهای نظامی نیست بلکه به موازات نیروهای نظامی، الگوی اقتصادی و رشد سیاسی در کشور و در سایر کشورها نقشی برابر دارد. تأمین امنیت ملی، امروزه صرفاً در سایه سلاح و زور و بازوی نظامی

در روند جهانی شدن فعالانه مشارکت نماید.

**سناریوی خوش‌بینانه (۳):** دولت موافق جهانی شدن و جهان یکدست در آینده‌ای مطلوب. باری بوزان در نوشته‌های خود به دنبال نوعی پیوند میان تحلیل‌گران امنیت و محققان صلح است. عوامل زیادی از جمله وابستگی متقابل اقتصادی و آسیب‌پذیری‌های همگانی در برابر تهدیدات زیست‌محیطی، باعث پدید آمدن سرنوشت مشترک برای تمامی واحدهای سیاسی و وابستگی متقابل امنیتی آنها شده است. باور به پایان یافتن کاربرد راهبرد امنیت ملی در برابر وابستگی متقابل دول، نوعی سیستم بین‌المللی با مشخصه «آنارشی فراگیر» (Buzan, 2008) را به وجود آورده است؛ یعنی همان وضعیتی که کاستلز از آن به‌عنوان «ناامنی جهانی» یاد می‌کند. در وضعیت ناامنی جهانی یا «آنارشی فراگیر» بوزان معتقد است که دیگر استفاده از نیروی نظامی به‌عنوان یکی از ابزارهای اعمال سیاست خارجی، در مفهوم سنتی امنیت ملی، کاربرد ندارد. وابستگی متقابل در زمینه امنیت ملی که از وجوه کاملاً مشخص جهانی شدن می‌باشد؛ بدان معناست که امنیت ملی منفرد تنها آن هنگام که در کنار و در ارتباط با کل سیستم قرار می‌گیرند، قابل درک هستند؛ یعنی تحول امنیت ملی در پرتو تحولات عصر جهانی شدن، از امنیت ملی منفرد خارج شده و به حفظ امنیت کل بازیگران عرصه نظام بین‌الملل تغییر شکل یافته است.

**سناریوی بدبینانه (۴): (دولت منزوی و جهان آشفته):** به باور کَلگ و کاستلز مشکل پیش روی انسان هزاره سوم، مسئله انطباق با ساختار تازه‌ای است که مرزهای ملی را شکسته و اصولی فراملی و به تعبیر کاستلز شبکه‌ای را پی‌ریزی نموده است. در این میان اولین و قوی‌ترین حس القاء شده به مردم جهان به‌ویژه جهان سوم چیزی نخواهد بود مگر احساس ناامنی. جهانی شدن پایه‌های محکم دولت - ملت را که تکیه‌گاهی برای ملت‌ها بود؛ در هم شکست، به‌طوری که به باور برخی از صاحب‌نظران، جهانی شدن اگرچه در ابعاد اقتصادی و سیاسی ممکن است و نوید پیشروی به‌سوی جهانی شدن یکدست را می‌دهد، اما در بعد امنیتی در واقع به جهانی کردن ناامنی (Globalizing of Insecurity) منتهی خواهد شد.

## ۷- بحث و نتیجه‌گیری

**سناریوی بدبینانه (۵):** دولت منزوی و جهانی یکپارچه در آینده‌ای محتمل: امروزه، جهان با مسائلی روبرو است که حل آن مستلزم همکاری و اقدامات جمعی (جهانی) است. بنابراین با ظهور نیروهای فراملی بین‌المللی (NGOs) و درون ملی - قومیتها- که در راستای توسعه تکنولوژیک و انقلاب اطلاعات مانند امکان دستیابی به اینترنت و ماهواره به وقوع پیوست. اختیارات، انحصارات و کارکردهای دولت محدود شده است. با این وجود برخی از صاحب‌نظران که دید خوش‌بینانه‌تری نسبت به تحولات اواخر قرن بیستم در خصوص اختیارات دولت دارند موقعیت کنونی دولت‌ها را بحرانی نمی‌دانند. با ایجاد اقتصاد فوق ملی که اکثر معاملات آن خارج از کنترل دولت‌ها صورت می‌گیرد، ظهور نهادهای منطقه‌ای و جهانی مانند اتحادیه اروپا، مؤسسات بانکی بین‌المللی و انقلاب تکنولوژیک در عرصه حمل‌ونقل و ارتباطات، مرزهای سرزمینی تا حد زیادی جایگاه خود را از دست داده‌اند؛ اما موجب بروز ناامنی‌هایی شده است؛ که پاسخگویی به آنها دیگر تنها با اقدامات نظامی میسر نیست. برخی صاحب‌نظران برای حل چنین معضلی، راه‌حل کوچک زیباست، یا همان جایگزین نمودن واحدهای سیاسی کوچک‌تر به جای واحدهای بزرگ‌تر را پیشنهاد می‌کنند. این گروه بر این باورند که مشکلات اساسی دولت سنتی تنها با کوچک شدن اندازه آنها برطرف می‌شود؛ زیرا واحدهای سیاسی کوچک‌تر به این دلیل که از فاصله بین مرکز اقتدار و شهروندان کاسته شده است، بالقوه از واحدهای بزرگ‌تر پیشین بهتر هستند. در این واحدها از بیگانگی شهروندان و صاحبان اقتدار، کاسته می‌شود. در پاسخ به این ادعا، بندیکت اندرسن می‌گوید: حتی در چنین اجتماعی هم ممکن است شهروندان از طریق لایه‌های دیوان‌سالاری با درجات مختلف نفوذپذیری از تصمیم‌گیرندگان جدا شوند (Anderson, 1985:21). عده‌ای نیز به دنبال پاسخ دادن به مشکلات دهه‌های آخر قرن بیستم از طریق «کارکرد باز توزیعی دولت» بودند. این عده معتقد بودند، نقش دولت در کلیه امور مربوط به حاکمیتش تنها در دریافت درآمدهای اقتصادی و باز توزیع آن میان مردم، مطابق با ملاک منافع عمومی است. در هر صورت، چه با الگوی «کوچک زیباست»

مختل خواهد کرد. نقش افکار عمومی داخل کشورها، به عبارتی شهروندان و نخبگان قدرتمند را در این کشورها که تعهدات به مسائل جهانی و وابستگی به جوامع جهانی را گسترش داده‌اند، نباید نادیده گرفت. گسترش تفکر و احساس وابستگی به جوامع جهانی باعث می‌شود کمتر به فکر حمایت از شیوه‌های قدیمی مبارزه برای تسخیر یک کشور دیگر بیافتند. صاحب‌نظران این ادعا را این‌گونه مطرح می‌کنند که به احتمال زیاد در اثر جهانی شدن است که کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی از سال ۱۹۴۵ به بعد با یکدیگر وارد جنگ نشده‌اند (آرت شولت، ۱۳۸۲). گسترش حکومت فوق‌دولتی یعنی ایجاد مجرا و یا نهادهای فراملی برای نظارت بر اقدامات دولت‌ها امکان بیشتری را برای کنترل تسلیحات فراهم آورده است. ظهور نهادها و سازمان‌های فوق‌دولتی نیز راه‌های جدیدی برای حل‌وفصل مناقشات گشوده است (همان). با این وجود، ظهور مسئله فوق‌قلمروگرایی که با ظهور ناظران بین‌المللی نمود یافت، امنیت شهروندان را از هر نظر در برابر خطرهای نظامی تقویت نکرده است. حتی می‌توان ادعا کرد از اواسط قرن بیستم صلح در میان کشورهای عمده جهان به‌صورت کابوس انهدام - چنان‌که مردم هیچ‌گاه قبلاً تجربه نکرده بودند - حفظ شده است. این امر موجب تهدید امنیت ملی کشور نیز شده است. علاوه بر موضوع تسهیل تجارت تسلیحات نظامی مشکلات زیادی از قبیل تخریب محیط‌زیست، افزایش فقر، بیکاری، تخریب فرهنگی و شکاف اجتماعی را نیز می‌توان از جمله موارد تهدیدکننده هویت و امنیت ملی کشور برشمرد (پورااحمدی، ۱۳۷۹). امروزه با چنین دورنمایی و با افزایش آگاهی شهروندان ایرانی نسبت به محیط اطراف خود و حساسیت روزافزون نسبت به مسائل جهانی، ایجاد شده است (کاظمی، ۱۳۸۰: ۳۲) که اولین نمود آن افزایش آگاهی مردم از آسیب‌پذیر بودن زندگی و هراس همگانی از آینده ابعاد ملی است. این هراس همگانی در نهایت به احساس عدم امنیت ملی منتهی خواهد شد.

با جهانی شدن اقتصاد و در جریان بازسازی اقتصاد ملی به‌منظور انطباق با سرمایه‌داری جهانی، دولت ملی دچار مشکلات عدیده اقتصادی شده است. در واقع پیش‌بینی می‌شود، برای کشور بیش از آنکه موجب رفاه بیشتری برای

و چه با اندیشه «باز توزیعی»، دولت ملی هنوز بهترین واحدی است که به‌ویژه از نظر سیاست‌های دموکراتیک، فعلاً به آن می‌توان دسترسی داشت؛ زیرا مراجع فراملی و جهانی از این لحاظ جای مطمئنی را برای خود ایجاد نکرده‌اند. در خصوص مباحث امنیتی، به دلیل قوام نیافتن شبکه کشورهای هم‌اندیش، اتکا و اعتماد به یک سیستم امنیت دسته‌جمعی و یا بین‌المللی، هنوز زود به نظر می‌رسد. در این میان کشورهای جهان سوم در معرض خطر بیشتری واقع می‌شوند. اشتباه است اگر تصور شود، پس از استقلال سیاسی کشورهای جهان سوم، از فشارهای اقتصادی صرف‌نظر نمودند بلکه از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی و ایجاد کانون‌های بحران در سایه حمایت‌های نظامی و سیاسی دولت‌های بزرگ بر ضد دولت‌های دیگر بروز یافته است. پایان یافتن نظام دو قطبی، نزاع و دشمنی میان قدرت‌های بزرگ و نیز جنگ‌های سرد و گرم، حکایت از مبارزه تازه‌ای میان دولت‌ها دارد که از طریق مسائل اقتصادی، حقوق بشر و... نمایندگی قدرت‌های بزرگ را بر عهده دارند از آغاز شده است؛ زیرا نظام سرمایه‌داری در عصر چندملیتی‌ها حالت تهاجمی خود را نسبت به حاکمیت ملی جوامع دیگر از دست نداده است. به عبارتی، امنیت ملی با ظهور پدیده جهانی شدن در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، بعد دیگری یافته است. بعدی که دیگر در موارد نظامی خلاصه نشده و اقداماتی از قبیل بازدارندگی، دیگر پاسخگوی امنیت بازیگران عرصه بین‌المللی نیست.

امروزه توجه کشور ما به امنیت نظامی به دلیل روند نزولی توسل به زور برای تأمین خواسته‌های خود، رنگ باخته و جای خود را به تأمین رفاه و توسعه اقتصادی، امنیت اجتماعی و فرهنگی داده است. دلیل بروز چنین تحولاتی در مفهوم امنیت در پیشرفت‌هایی است که در زمینه‌های حقوقی، تکنولوژیکی و مبادلات جهانی به وجود آمده است (بلوچی، پائیز: ۱۳۸۱). در بخش‌هایی از جهان که اصطلاحاً جهانی شدن گسترش بیشتری پیدا کرده است، دولت‌ها با بازارها و شبکه‌های ارتباطات جهانی نیرومندی روبرو هستند که روزبه‌روز بر میزان وابستگی متقابل آنها می‌افزاید. از این‌رو درگیری‌های نظامی به‌شدت بر فعالیت این‌گونه شبکه‌ها تأثیر مخرب خواهد گذاشت و فعالیت آنها را به‌شدت

است. دسترسی جهانی موجب تسهیل مداخله نظامی کشورهای قدرتمند شد. بازارهای تسلیحات جهانی امکانات تخریب فوق‌العاده‌ای به وجود آورده‌اند که یکی از پیامدهای آن موجب تقویت خشونت در بافت احیای قومی و مذهبی شده است. فناوری‌های جهانی شدن امکانات بهتری برای نظارت تغییرات زیست‌محیطی فراهم نموده و در مقوله سرمایه‌داری نیز جهانی شدن در رشد سریع رفاه در کشورهای تازه صنعتی شده ایجاد نمود. همچنین تعداد اندکی از کشورهای جهان سوم به جایگاه کشورهای تازه صنعتی شده دست یافته‌اند. بازسازی اقتصادی در مواجهه با جهانی شدن اغلب فقر را کاهش داده است. آنچه مسلم است مسائل نظامی در برابر بسیاری از مسائل امنیتی معاصر، به‌ویژه خشونت داخلی، مهاجرت و تخریب محیط‌زیست، ناتوان است. این احساس مشترک، در اندیشمندان وجود دارد که با مسائل امنیتی، باید در چارچوب توسعه اقتصادی برخورد شود زیرا مشکلات امنیتی جدید در مقابل راه‌حل‌های پیشنهادی ابزارهای امنیتی سنتی، مقاومت می‌کنند. بوزان، اوله‌وور، دووایلد و دیگران استدلال کرده‌اند که امنیت ملی به امنیت سیاسی بستگی داشته و ثبات نظم اجتماعی را به همراه می‌آورد. دیگران مانند پل راجرز (۲۰۲۱)، اضافه کرده‌اند که برابری نظم بین‌المللی به همان اندازه حیاتی است؛ بنابراین، امنیت سیاسی بستگی به حاکمیت حقوق بین‌الملل از جمله قوانین جنگ، اثربخشی نهادهای سیاسی بین‌المللی و همچنین دیپلماسی و مذاکره بین ملت‌ها و سایر بازیگران امنیتی دارد. این امر، در میان عوامل دیگر، به گنجاندن سیاسی مؤثر گروه‌های ناراضی در امنیت انسانی شهروندان بستگی دارد.

همه اقشار جامعه گردد تبدیل به مرحله‌ای شده است که اقشار آسیب‌پذیر را به شدت تحت فشار قرار داد. در حال حاضر فشارهای ناشی از تورم و بیکاری برای بسیاری از اقشار فقیر ایرانی، غیر قابل تحمل شده و تأثیرات مخربی بر اقشار آسیب‌پذیر گذاشته است. آنچه مسلم است تنها سرمایه‌داری جهانی عامل فقر پایدار و گاهی فزاینده نبوده است. ساختار اجتماعی، سیاست‌های نادرست و ناکارآمد ملی و حتی بلایای طبیعی نیز در آن نقش دارند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۱). مخالفان جهانی شدن، این پدیده را موجب افزایش بیشتر بیکاری می‌دانند، زیرا با رشد انبوه در اثر پیشرفت‌های تکنولوژیک و آسان‌تر شدن تولید، سرمایه ملی به‌جای سرمایه‌گذاری در طرح‌های کارآفرین در اقتصاد واقعی به اسناد مالی تبدیل می‌شود، به طوری که معاملات سهام و ارز، سرمایه‌گذاران را برای سود بالاتر اغوا کرده است (McGrew, west review, 1997).

**سناریوی واقع‌بینانه‌ی ممکن (۶): دولت غیر منزوی و پذیرفته شده در نظام جهانی در آینده‌ای مطلوب:** از مجموع مطالب مطرح شده، این واقعیت آشکار می‌شود که جهانی شدن به‌طور کلی امنیت ملی رضایت بخشی را در زندگی اجتماعی تاکنون فراهم نموده است. هرچند تحول مفهوم امنیت از مفهوم صرفاً نظامی به تعبیری که ترکیبی از مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، تغییر یافت. از این‌رو، با کاهش تهدیدات نظامی خارجی که در اثر وابستگی متقابل بازیگران صحنه بین‌المللی ایجاد شده، الزاماً امنیت ملی کشورهای جهان به‌ویژه ایران افزایش نمی‌یابد زیرا وابستگی متقابل کشورهای جهان موجب کاهش استقلال ملی می‌شود. در عین حال پیشرفت فن‌آوری، توانایی‌های تخریبی جنگ را افزایش داده

## ۷- مراجع

- [۱] لغت‌نامه دهخدا. جلد ۲. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. ص ۳۵۴.
- [۲] ام‌الیوت، جفری ورجیناله، رابرت (۱۳۷۳). فرهنگ اصطلاحات سیاسی - استراتژیک. ترجمه: رئیس‌زاده، میرحسین و لنگرودی. تهران. ص ۷۶.
- [۳] نوروزی، فیض‌اله (۱۳۹۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: نشر سخنوران. ص ۵۱۹.
- [4] Lindert, P., and J. Williamson (2001) Does Globalization Make the World More Unequal? National Bureau of Economic Research Working Paper No. 8228, Europe-Barcelona, June, 20-27.
- [۵] فرهنگ رجایی (۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن. وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. ترجمه: آذرنگ، عبدالحسین. تهران: آگه. ص ۲۱.
- [۶] عبدالحمید، علی عادل و آلبرو. جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم. ترجمه: قریشی، اصغر. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۵۶-۱۵۵.
- [۷] کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، ترجمه: علیقلیان، احمد. جلد ۳. تهران: طرح نو.
- [8] D. Held. (1995) "Democracy and Global order" from the modern state to cosmopolitan Governance, Polity press, Cambridge.
- [۹] قزلسفلی، محمد تقی. جهانی شدن، رویارویی یا همزیستی. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۵۶-۱۵۵.
- [۱۰] گلپایگانی، اکبر هاشمی (۱۳۸۱). جامعه صنعتی و جامعه اطلاعاتی. نامه فرهنگ. شماره ۴۳.
- [۱۱] معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۷۹). راهبردهای ولایت ۳. تهران. مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ص ۶۷.
- [۱۲] لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۲). جلد ۲. تهران: مؤسسه دانشگاه تهران. ص ۳۵۴. ۱۲
- [۱۳] عمید، حسن. فرهنگ عمید، تهران: جاویدان. ص: ۶۱.
- [۱۴] معین، محمد (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی. چاپ دوم. تهران: سرایش. ص ۳۱۹.
- [۱۵] جفری، ام‌الیوت ورجیناله، رابرت (۱۳۷۳). فرهنگ اصطلاحات سیاسی، استراتژیک، ترجمه: رئیس‌زاده، میرحسین و لنگرودی. تهران: مهدی. ص ۷۶.
- [۱۶] علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲). فرهنگ سیاسی. نشر آشیان. ص ۱۰۵.
- [۱۷] نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۷). نظریه‌های کلان و روابط بین‌الملل، تهران: قومس، ص ۹۷.
- [۱۸] نافلر، آلوین (۱۳۷۰). تغییر ماهیت قدرت، ترجمه: شاهرخ بهار و حسن نورانی بیدخت، تهران: مرکز نشر و ترجمه

کتاب، ص ۴۳.

- [۱۹] اصول و مبانی استراتژی (۱۳۷۶). جزوه آموزشی. دانشگاه امام حسین(ع). تهران. ص ۱۱.
- [۲۰] دوئرتی، جیمز و فالتزگراف (۱۳۷۶). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل. ترجمه: طیب، علی رضا و بزرگی. قومس. ص ۲۴۹.
- [۲۱] افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). ناامنی جهانی، بررسی چهره دوم جهانی شدن، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ص ۶۱.
- [22] Dietrich Fischer (1993). Nonmilitary aspect of security. UN Institute for Disarmament.
- [23] Lippmann, W. (1956). The public philosophy. Mentor Books. New York, Ny, USA.
- [۲۴] کلگ، استوارت (۱۳۷۹). چارچوب‌های قدرت، ترجمه: یونس، مصطفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [25] Buzan, B. (2021) (2008) States and fear: An agenda for international security studies in the post – cold war Era (2nd ed) Lynne Rienner publisher, Boulder, Co. USA.
- [26] Anderson, B. (1985). Imagined Communities: Reflections on the origin and spread of Nationalism, Verso: London, p: 21
- [۲۷] بلوچی، حیدر علی (۱۳۸۱). جهانی شدن و بازدارندگی هسته‌ای. مجله سیاست خارجی. سال شانزدهم، پاییز.
- [۲۸] شولت، یان آرت (۱۳۸۲). نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه: کرباسیان، مسعود. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- [۲۹] پوراحمدی، حسین (۱۳۷۹). جهانی شدن اقتصاد و منطقه‌گرایی اقتصادی و تجاری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۶-۱۵۵.
- [۳۰] کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۰). جهانی شدن، فرهنگ و سیاست، تهران: قومس، ص ۳۲.
- [۳۱] یوسفی، امیرمحمد حاجی (۱۳۸۱). جهانی شدن اقتصاد، بین‌المللی شدن دولت و همکاری، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳.
- [32] 31- McGrew, M. (1997). Selected Interpretation of Globalization, West Review.
- [۳۳] صادقی زاده، سلمان (۱۴۰۰). فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و چهار، بهار شماره اول.



انجمن علمی دانشجویان غیر عامل ایران

نشریه علمی - پژوهشی شهر ایمن

JOURNAL OF RESILIENT CITY  
(JRC)

## The Relation of Globalization and Iranian National Security

Tooran Ahmadi, Hassan Ghanimati, Talieh Khademian

Ph.D. Candidate, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran  
Assistant Professor, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran  
Assistant Professor, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

### Abstract

Today, the custodians of the security of national identity in the process of globalization, from the dominance of the thought of change, the dominance of the thought of uncertainty and the reduction of the sources of identity that seek to break into cultures; they remember that the issue of preserving Iranian national identity in the process of globalization makes them inevitable to review; To be sustainable and improved in a new framework. National security is the most important principle in the stability of national identity and independence of a country or political unit in the process of globalization; Because the survival of the territorial integrity and continuity of the government of a country depends on the national security of that country. The importance of this issue can be understood when we know that national security is a prerequisite for the development of other national goals such as political, social, military, cultural and economic goals in the process of globalization. What was obtained in this research is the decrease of national security with the increase of globalization, which was extracted through the method of future research scenarios.

**Key Words:** Globalization, National identity security, National security

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* Corresponding author: Hassan Ghanimati, Tehran, Iran; [h-ghanimati@sbu.ac.ir](mailto:h-ghanimati@sbu.ac.ir)